

ترگس عاشق‌پوری

در قرار دو ساعته‌ای که برای نشست در روزنامه ایران داریم سر خط همه صحبت‌ها از گلابه و انتقاد تعریفی و تمجید؛ رجوع به فضای مناظرات انتخاباتی است. از بحث فیلم‌های توقیفی گرفته تا تغییر و اصلاح ساختار پوسیده شورای پروانه ساخت و نمایش، از بازگشایی خانه سینما تا مشارکت مؤثر اصناف در مجامع و مراکز تصمیم‌گیری، از اعتماد بین سینماگران تا آواسازی اموریه خود اهالی سینما حسن مطلع تمام صحبت‌ها فضای شکل گرفته در انتخاباتی است که پشت سر گذاشتیم؛ انتخاباتی که سینماگران با وجود نقد‌ها و گلابه‌ها، به‌عنوان الگوهای مرجع حضوری مؤثر در جلب مشارکت مردمی داشتند. رجوع چند باره به این فضا به تنهایی گواه آن است که چقد راه‌الی سینما خواستار عنصر تعیین‌کننده در رقابت کاندیداهای ریاست جمهوری در مناظرات انتخاباتی برای مقابله با جریان‌های مخالف هستند؛ «شجاعت» تعبیری که سینماگران حاضر در این نشست یعنی فرشته طائرپور، همایون اسعدیان و محسن امیرپوسفی از بیان و گفتار سخن‌روانی در مناظرات انتخاباتی دارند و می‌توان آن را نخستین و مهم‌ترین خواسته اهالی سینما از مدیران سینمایی عنوان کرد. شجاعت و شفافیتی که اگر قرین تدبیر شود می‌توان امید داشت پس از سال‌ها ریاضت، نوبت رضایت به اهالی سینما هم برسد؛ سینماگرانی که از آغاز دولت یازدهم به‌عنوان مهم‌ترین سرمرایان در جوامع دولتی در مقاطع مختلف حتی اجتماعی و سیاسی‌ا‌زنه گفتن به یارانه‌ها تا انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نقش مؤثری در ترغیب مردم به حضور فعالانه در تعیین سرنوشت خودشان داشتند. اگر چه طی این ۴ سال فرهنگ اولویت دولت نبود و عمده فعالیت دولت بر رسیدن به ثبات اقتصادی و سرانجام رساندن برجام متمرکز شد اما سینماگران با درک شرایط زمانه هیچگاه حمایت خود را از دولت دریغ نکردند. حال نوبت آن رسیده تا پاسخی مناسب به خواسته‌هایی داده شود که همچنان در حد توقع و انتظار باقی مانده است. اگر چه سینماگران این مشارکت و همدلی را پاسخی هوشیارانه به درک شرایط جامعه عنوان می‌کنند و از این باب‌ت دولت را به‌هکار خود نمی‌دانند اما عنوان جامعه فرهنگی کشور همچون اقشار مختلف جامعه حقوق و مطالباتی از دولت دارند که توقع می‌رود در دومین دوره دولت تدبیر و امید پی‌پاسخ نمایند. برای شنیدن این مطالبات باین سه فیلم‌ساز گفت‌وگو کرده‌ایم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:

■ **دوره دوم دولت اعتدال را با اینه‌هی از مطالبات فرهنگی و هنری پیش رو داریم. دوره اول با همه نقاط ضعف و قوتش گذشت، دوره‌ای که هم و غم دولت صرف ثبات اقتصادی و به سرانجام رساندن برجام‌شد و بالطبع در این شرایط، درست یا غلط برنامه‌های فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفت. البته طبیعی است دولتی که میراث‌دار ویرانه‌ی شده است برای آواربرداری و سازندگی نیاز به زمان و فرصت دارد اما همین دولت به لحاظ عملکرد فرهنگی، با دولت پیشین متفاوت بود و اوضاع فرهنگی در دولت یازدهم با دولت دهم قابل قیاس نیست، پیش از مطرح کردن مطالبات اهالی سینما و توقعات و انتظارات برآورده نشده آنها، بد نیست صحبتیمان را با اشاره‌ای به همین تفاوت و دستاورد دولت دهم شروع کنیم.**

فرشته طائرپور: مهم‌ترین دستاورد دولت آقای روحانی در دوره اول انجام ندادن کارهایی بود که طی ۸ سال قبل از ایشان شاهد وقوع شان بودیم و آسیب دیدیم. حذف این رفتارها به خودی خود یک امنیت نسبی روانی در حوزه سینما به وجود آورد که مغتنم بود. می‌شود گفته‌اند همان‌طور که بر اثر صبر نوبت ظفر آید، بر اثر ریاضت هم نوبت رضایت آمده بود. گرچه کارهای خیلی بیشتری می‌توانست در حوزه سینما انجام شود اما همدلی پیش آمده هم به خودی خود با ارزش بود. بخشی از کم توقیفی‌ها قابل توجه است و سینمایی‌ها درک می‌کنند که به‌خاطر همان اولویت‌هایی که اشاره کردید کارهای بزرگی انجام نشده است. امیدواریم در دوره دوم، ارتباط دولت با حوزه فرهنگ و هنر بیشتر شود. با استناد به نقل قول یکی از اهالی فرهنگ مینی بر اینکه آقای روحانی به حوزه هنر پرداخت ولی به فرهنگ پرداخت من هم معتقدم که دولت آقای روحانی احترام به فرهنگ را به جا آورد اما اقدام‌های عملیاتی همچنان جزو مطالبات جدی ماست. این اتفاق هم زمانی محیر می‌شود که یک مشارکت و همدلی شبیه همان چیزی که در انتخابات شکل گرفت میان جامعه هنری و فرهنگی کشور با مدیریت دولتی پیش بیاید. این حوزه بیشتر از اینها به گردن دولت حق دارد. طی چهار سال گذشته حوزه فرهنگ نسبت به حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد و امور بین‌الملل دستاورد کمتری داشت اما دیدید که در بزرگه انتخابات، هنرمندان با آن هشیاری کرده‌بود، بلکه به صورت فارغ از سهم‌های داشته و نداشته برای مصلحت‌های بزرگتر پایه‌میدان گذاشتند و به‌نحو چشمگیری تأثیر گذار بودند. نه کسی به آنها دستور داده بود و نه کسی از آنها برای این حضور مدتی کرده‌بود، بلکه به صورت خودجوش و خود خواسته و با احساس نگرانی نسبت به حال و آینده جامعه‌شان با شجاعت و ذکاوت به میدان آمدند. این مشارکت و حمایت فرصت مغتنمی را برای هر دولتمردی ایجاد می‌کند که فرهنگی‌تر و سنجیده‌تر حرف بزند و عمل کند. سیاستمداران باهوش و دلسوز به این استعداد توجه می‌کنند. نه به این معنا که یاداشی به آن یادبندند یا آن را ذخیره‌ای ماندگار برای خود به حساب بیاورند بلکه بیشتر متوجه بشوند که در تعامل سنجیده با این جریان می‌توانند حال روحی جامعه را بهتر کنند. ببینید هیچ‌کس به ما اسفر فرهادی یاد داد که در داخ ایران از هنرمندان اسکار را چطور کارگردانی کند و جواب آدم بی فرهنگی مثل ترامپ و توهینی که به مسلمانان و ایرانیان کرد را به‌شکلی ماندگار در تاریخ بدهد. هیچ‌کس به کارگردانان و

شاهد اتفاقات مثبتی مثل شکل‌گیری گروه هنر و تجربه بودیم که جریانی را ایجاد کرد برای فیلم‌هایی که سال‌ها سال منتظر اکران بودند و حق اکران داشتند. قانونی غلط در سینمای ایران به وجود آمده بود که کسانی به خودشان اجازه می‌دادند یکسری از فیلم‌ها را از اکران محروم کنند به این بهانه که نمی‌فرشوند. با شکل‌گیری گروه هنر و تجربه امکان نمایش این فیلم‌ها فراهم شد و فیلمسازان این گروه نگاه واقع بینانه‌تری به تماشاگر و مخاطب پیدا کردند. ولی متأسفانه در ۴ سال گذشته و در این آواربرداری در حوزه فیلم‌های توقیفی اتفاقی نیفتاد و نه تنها آمار این فیلم‌ها کمتر نشد بلکه بیشتر هم شد. با وجود فشارهای روی دولت تا حدودی این اتفاق قابل درک است و سکوت فیلمسازانی که فیلم‌هایشان دچار مشکل شده بود هم به خاطر درک همین شرایط بود. الان هم شاهدیم که در دوره دوم دولت آقای روحانی مهم‌ترین بحث حل مشکل

فیلم‌هایی که آقای امیرپوسفی اشاره کردند از دوره آقای شمقدری به دوره آقای ایوبی رسیده است و بعد هم به دوره اکران بودند و حق اکران داشتند. قانونی غلط در سینمای ایران به وجود آمده بود که کسانی به خودشان اجازه می‌دادند یکسری از فیلم‌ها را از اکران محروم کنند به این بهانه که نمی‌فرشوند. با شکل‌گیری گروه هنر و تجربه امکان نمایش این فیلم‌ها فراهم شد و فیلمسازان این گروه نگاه واقع بینانه‌تری به تماشاگر و مخاطب پیدا کردند. ولی متأسفانه در ۴ سال گذشته و در این آواربرداری در حوزه فیلم‌های توقیفی اتفاقی نیفتاد و نه تنها آمار این فیلم‌ها کمتر نشد بلکه بیشتر هم شد. با وجود فشارهای روی دولت تا حدودی این اتفاق قابل درک است و سکوت فیلمسازانی که فیلم‌هایشان دچار مشکل شده بود هم به خاطر درک همین شرایط بود. الان هم شاهدیم که در دوره دوم دولت آقای روحانی مهم‌ترین بحث حل مشکل

فیلم‌هایی که آقای امیرپوسفی اشاره کردند از دوره آقای شمقدری به دوره آقای ایوبی رسیده است و بعد هم به دوره مدیریت آقای حیدریان و ممکن است غلط در سینمای ایران به وجود آمده بود که کسانی به خودشان اجازه می‌دادند یکسری از فیلم‌ها را از اکران محروم کنند و صرفاً به چند فیلم محدودش نکنیم. انتخابات امسال خیلی حرف داشت و برای من عجیب بود. قانون انتخابات می‌گوید که ۲۴ ساعت قبل از انتخابات حق تبلیغات دارید و بعد از آن تبلیغات ممنوع است اما دنیای مجازی تمام این قوانین را زیر پا گذاشت. پنجشنبه پیش از انتخابات شاهد بودید که در فضای مجازی تبلیغات انتخاباتی ادامه داشت و حتی در روز انتخابات رای‌دهندگان از برگه رای‌شان عکس گرفته و در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند. پس قوانینی که زمانی قابل اجرا بود امروز دیگر کارکردش را از دست داده است، ممکن است در آیین‌نامه‌ها بیاید اما دیگر آن کارکرد را ندارد. در جلسه‌ای که چند

رفع توقیف همین چند فیلم محدود نشود بلکه طرحی ببیندشند برای مدل جدید سینما که دارد می‌آید و عین ماهواره که ما مجبور شدیم به آن تن بدهیم و شبیه خیلی مسائل دیگر اتفاق نیفتد و بعد کاسه چه کتم به دست بگیریم. **فرشته طائرپور:** آقای اسعدیان به اتفاقی که‌امسال در حوزه انتخابات و تبلیغات افتاد اشاره کردند که اتفاقاً به نظر من هم مثال خیلی روشنی است. من به نکته دیگری از انتخابات امسال می‌خواهم اشاره کنم. آقای روحانی در بحث‌های مناظره‌ای انتخابات این دوره خیلی تأثیر گذارت‌از دوره قبل صحبت کردند و چهره جذاب تری از خود به‌عنوان رئیس جمهوری به جامعه بخصوص جوانان نشان دادند. شاید بیشتر به دلیل شجاعت‌هایشان در بیان برخی واقعیت‌های ناگفته مانده این اتفاق افتاد، به هر حال این چهره‌ای بود که در دوره قبل از ایشان کمتر دیده بودیم. شاید همین شجاعت، واکنش

مطرح کردند مشابه حرف‌های توقیفی سینمای ایران است. اگر از جنس سینمایی بخوایم حرف‌هایشان را دسته‌بندی کنیم حرف آقای روحانی در مناظرات از جنس سینمای بدنه نبود، از جنس سینمای دولتی و سینمای تجاری هم نبود بلکه به شوخی باید گفت حرف‌های سینمای توقیفی ایران بود. منظورم از توقیف در اینجا حرف‌های خارج از عرف و صرفاً جنجالی و بی‌هدف نیست و گفته‌های صریح و غیرمحافظه کارانه‌ای است که در چارچوب قانون قصد اصلاح امور و هشدار دارد ولی از دید گروهی نباید گفته شود و توقیف می‌شود. حرف‌های آقای روحانی در مناظره‌ها حرف‌های ۴ سال گذشته خودشان نبود حرف‌هایی بود که ممکن بود در هر جای دیگری که گفته می‌شد حتی با انتقاد رسانه‌های اصلاح‌طلبی مواجه شود که آن را تندروی یا عبور از یکسری اصول می‌دانستند اما واقعاً این واژه‌ها در دنیای جدید خیلی کودکانه

مصرفی ندارد درامی گیریم. **امیرپوسفی:** البته موضوع فیلم‌های دیگر هم مطرح است. مثلاً «خانه پدری» آقای عیاری که باید در همان سال ۹۲ که در جشنواره فجر حضور داشت به نمایش عمومی در می‌آمد، جشنواره‌ای که در آن زمان به من گفته شد مگر دوست نداری فیلم‌های دوستانت اکران شود پس از حضور فیلم خودت صرف‌نظر کن! طوری که انگار فقط فیلم من مشکل سینمای ایران شده بود. ولی این راهکار حذف فیلم من هم نه تنها سودی برای فیلم‌های دیگر در وزارت ارشاد رفتن و آمده که می‌دانم ارشاد دو قسمت است؛ یک قسمت از



بررسی مطالبات سینماگران از دولت جدید در میزگرد «ایران»

دولت، کاسبان توقیف فیلم‌ها را

فیلم‌های توقیفی است، اما ای‌کاش عملکرد ۴ ساله سازمان سینمایی در دوره قبل به گونه‌ای بود که به جای اینکه مسأله سیاست‌های اقتصادی حرف نمی‌زدند، کسی راجع به سیاست‌ها و ارتباطاتی که قرار است در موازنه جهانی برقرار کنیم اظهار نظر نمی‌کند چون به‌ندانش دارند و نه اطلاعاتش را، اما همه راجع به فرهنگ و سینما و فیلم حرف می‌زنند و خودشان را متولی آن می‌دانند. یک فیلم که در اکران قرار می‌گیرد از صد جا به وزیر ارشاد فشار می‌آورند که و اما صیبتا این فیلم چه شد، از صد‌ها نهاد علمی بهداشتی و مذهبی انتقاد می‌کنند و همه خودشان را راجع به مسائل فرهنگی صاحب‌نظر می‌دانند اما هیچ‌کس راجع به سیاست‌های وزارت نفت در اویک حرف نمی‌زند چون اصلاً دانشش را ندارد. همچنان باورم این است دولتی که در آینده می‌آید اگر بتواند رونق اقتصادی و ثبات اقتصادی و امنیت روانی برای کشور ایجاد کند قطعاً سینما هم رونق می‌گیرد. مردم وقتی حالشان خوب باشد به سینما می‌روند و وقتی سینما رونق بگیرد شرایط فیلمسازی ما بهتر می‌شود. آن وقت در بخش سیاست‌ها می‌توانیم ورود کنیم و بگوییم که محدودیت‌هایمان چیست و فشارهایمان کدام است.

■ **محسن امیرپوسفی:** بحث آواربرداری و اقدامات مخرب مدیران فرهنگی دوره ۸ ساله کاملاً درست است اما اینکه در این ۸ سال چه اتفاقی افتاد باید بگوییم هرچند این آواربیشتر از قبل نشد ولی آواربرداری خوبی هم انجام نشد. هر چند در دوره آقای ایوبی از منظر دیگری نگاه کنیم، اولاً برخی از

ماه پیش با آقای صالحی امیری داشتیم این مسأله را مطرح کردم که ما در وزارت ارشاد همچنان طبق قوانین و آیین‌نامه‌ای حرکت می‌کنیم که طی ۳۰ سال گذشته فقط در‌ای تصحیح شده است. با گذشت سینماهای جدید و رونق سینمایی و ایجاد بازار بین‌المللی جدید مسأله اصلی بود. وقتی می‌گوییم مسأله حل مشکل فیلم‌هایی است که بخشی از آن توسط همین دولت به وجود آمده است به نظر من یعنی در‌جا زدن. ای‌کانش این تعداد فیلم‌های توقیفی در این ۴ سال به وجود نمی‌آمد و چنین ارثیه‌ای به دولت جدید نمی‌رسید. با اکران این فیلم‌ها خواهید دید که چه عمری از فیلمسازان هدر رفته است و دلایل‌پیش برای اینکه یک فیلم روی پرده نیاید چقدر پیچگانه بوده است. بخصوص درباره فیلم‌هایی که پروانه ساخت دارند. فیلمی که از اساس غیرقانونی ساخته شده است و ثبات اقتصادی و امنیت روانی فیلمساز متفاوت است اما ما داریم راجع به فیلم‌هایی صحبت می‌کنیم که پروانه ساخت و بعضاً حتی پروانه نمایش قانونی هم دارند و وقتی راجع به این فیلم‌ها صحبت می‌کنیم من نگران این هستم که در پایان این ۴ سال باز هم چنین ارثیه‌ای برای مدیر بعدی نداشته باشیم.

■ **میزی از بحث‌های همیشگی است که همواره گریزناک‌ترین دولت‌ها بوده است آیا نمی‌شود بحث سینمای رایک بار برای همیشه به‌شکلی سر و سامان داد؟**

اسعدیان: اجازه بدهید این اتفاق را از منظر دیگری نگاه کنیم. اولاً برخی از چند تا فیلم را حل کند اما تدبیر فقط به

وزیر ارشاد بعد از این باید حتی مسئولیت امنیت، مراقبت و هدایت فردی مثل تلنورا هم بر عهده خود بدارند. این یک واقعیت است که در حوزه موسیقی و سینما و تئاتر کسانی حضور دارند که شاید ما کار‌هایشان را به شخصیت‌شان را نپسندیم ولی به احترام آن چند میلیون علاقه‌مندی که به هر دلیلی دارند نمی‌توانیم وجودشان را نادیده بگیریم. چقدر خوب است که هر چیز در جای خودش قرار بگیرد و هر مطرح‌کننده که حرف دل مردم بود و هیچ احتمالاً بعد از این هم مطرح نخواهد شد. من امیدوارم این شجاعت ادامه داشته باشد برای اینکه حوزه فرهنگ نیازمندی یک حرکت صحیح مسئولان را بهتر از قشر‌های دیگر برای اینکه حوزه فرهنگ نیازمندی یک حرکت صحیح صنعت سینما، فیلمسازان و نخبگانی پیشرو هستند و ذهن‌شان جلوتر از جامعه حرکت می‌کند. آنها راه‌های دیگر برای تأام با واقع‌بینی و سپس پشتیبانی شجاعانه است. در ایران نیز مانند همه جوامع صاحب‌صنعت سینما، فیلمسازان اجتماعی و اخلاقی پیدا کنند و ارتباط با مخاطب خودشان را برقرار کنند و دولت‌ها هم از میان آنها نمونه‌های هم‌شان و همسو با خود را مورد توجه قرار دهند، دیگر با پدیده‌های غیر متعارفی که در این دوره انتخابات دیدیم شوکه نمی‌شویم. باید دولت نگاه روز آمدن‌تر و بازتر نسبت به این جریان‌ها و آدم‌ها و تفکر‌ها داشته باشد و بتواند با همان شجاعتی که در آستانه دولت دوازدهم جرقه‌هایش زده شد به کارش ادامه دهد و در‌صورت مجوز‌ها وبستر سازی‌های فرهنگی‌اش قاطع‌تر عمل کند.

■ **وبای مجوزهایی که می‌دهد بایستد.**

طائرپور: بله پای مجوز‌هایش بایستد و اعتبار آن را بالا ببرد.

امیرپوسفی: من البته مثل همه

صبح تا عصر برای اهالی سینما هستد ولی اتفاقات مهم ارشاد از عصر تا پاسی از شب در اتاق‌های در بسته می‌افتد. امیدوارم در آنجا تصمیمات خوبی گرفته شود و اگر قرار است کمیته‌ای شکل بگیرد ضمن حل مشکل فیلم‌های توقیفی یک شورای صیانت از پروانه ساخت هم تشکیل دهد. به نظر من سال‌ها به خودمان آدرس غلط داده‌ایم و اینقدر به پروانه نمایش تأکید کرده‌ایم که فراموش کرده‌ایم شرایطی هم می‌دانیم که فکر می‌کنیم تمام مرکز ثقل جهان را به یک فیلم مهم زد. با یک فیلم نمی‌شود همه چیز را عوض کرد. درست است که سینما قدرت زیادی دارد اما نه آنقدر که مسبب چنین واژه‌ها و توهم‌هایی شود. این تصور را گروهی برای سینما به وجود می‌آورند که من به آنها کاسبین توقیفی‌می‌گویم.

■ **از دولتی که دائم این ادعا دارد که مدافع هنرمندان است این انتظار وجود دارد که امروز را به دست هنرمند‌ها بسپارد اما در قضاوت و داوری مثل شورای پروانه نمایش یا هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر، این امور به چهره‌هایی غیرسینمایی سپرده شده است. واقعاً نمی‌شود تمامی امروز را به خود اهالی سینما و هنرمندان واگذار کرد؟**

طائرپور: به هر حال بعضی از آنها به‌عنوان نماینده تفکر مدیریت دولتی در شورا‌ها و هیات‌ها حضور دارند و نمی‌شود